

بررسی ارتباط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و آزمون مجدد تئوری نمایندگی در کشورهای در حال توسعه (مطالعه موردی؛ ایران)

میرزا محمدی

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

رحمت اله محمدی پور

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران. (نویسنده مسئول)

قدرت اله طالب نیا

دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

نگار خسروی پور

استادیار گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و آزمون مجدد تئوری نمایندگی در ایران به عنوان نمونه ای از کشورهای در حال توسعه می باشد. پژوهش حاضر از نوع پژوهش های کیفی بوده و با استفاده از رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد و نمونه گیری هدفمند از افراد متخصص و صاحب نظر در زمینه حسابداری انجام شده است. داده ها به روش مصاحبه با روش هدایت کلیات و به صورت نیمه ساختاریافته گردآوری شده است. تحلیل آماری داده های پژوهش نشان می دهد که از میان مفروضات تئوری نمایندگی؛ ریسک گریزی، نظارت و پاداش در نظام حاکمیت شرکتی ایران دارای ابعاد بازبینی شده هستند. بسته های پاداش و استقلال هیات مدیره ابزار مؤثری برای مدیران مالک در ایران نیستند، بنابراین، سیاست گذاران می بایست تمرکز خود را از مکانیسم های نقش مدیریت داخلی، پاداش مناسب و همچنین استقلال هیات مدیره تغییر دهند. علاوه بر این، مشخص شد که راهکارهای مالی، نظارتی و انگیزشی برای تسکین مشکلات نمایندگی در نظام حاکمیت شرکتی ایران چندان موثر نیستند.

واژه های کلیدی: تئوری نمایندگی، حاکمیت شرکتی، ریسک گریزی، نظارت، پاداش.

۱- مقدمه

پس از آغاز انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم و با توسعه شرکت های سهامی، انبوه سرمایه گذارانی به وجود آمدند که در اداره واحدهای اقتصادی مورد مشارکت خود نقش مستقیمی نداشتند و تنها از طریق انتخاب هیات مدیره و نظارت بر آن ها، بر اداره واحد اقتصادی خود تلاش می کردند. حاصل این فرآیند، "تفکیک مدیریت از مالکیت شرکت ها" بود. جدایی مدیریت از مالکیت منجر به پیدایش تئوری نمایندگی شد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ ولک، ۲۰۰۴؛ استیگر و امان، ۲۰۰۸؛ هارت، ۱۹۹۵). وجود مشکل نمایندگی^۲ و تمایل مدیران به اعمال مدیریت سود و سوء استفاده از آن و در نتیجه ارائه نادرست به سهامداران نه تنها در سطح خرد باعث زیان سهامداران شده بلکه در سطح کلان باعث آسیب جدی به اعتماد سهامداران شده و آنان را از بازار بورس فراری خواهد داد (کوکی و گوئیژانی، ۲۰۱۷). امروزه شرکت هایی با ساختار بزرگ و گسترده همچون شرکت های سهامی و همچنین گروه های برون سازمانی نظیر اعتبار دهندگان تشکیل شده اند که از طریق انعقاد قراردادهای رسمی و غیر رسمی مختلفی گرد هم می آیند. بنابراین با تضاد منافع در سطح وسیعی از رفتارهای افراد با مسئولیت های گوناگون در این اجتماع مواجه هستیم. تضاد منافع^۴ در چارچوب تئوری نمایندگی مطرح گردیده و از مهم ترین تضادها در تئوری نمایندگی می توان به رابطه میان مالک و مدیر اشاره کرد. تئوری نمایندگی در متون مختلف از جمله اقتصاد (موریس، ۲۰۰۱)، بیمه (هابریج، ۲۰۰۱)، مدیریت (جنسن، ۱۹۹۸) و حسابداری (بیمین، ۱۹۸۲، ۷) ظاهر شده است (نمازی، ۱۹۸۵؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۰). نظریه نمایندگی به عنوان تأثیرگذارترین دیدگاه در حوزه مطالعات حاکمیت شرکتی و سیاست گذاری بوده و انسان را موجودی منفعت طلب فرض می کند و تضاد منافع بین مدیر و مدیرعامل را نشان می دهد. این تضاد منافع با ارائه انگیزه های مناسب و یا با نظارت بر فعالیت های نماینده قابل کنترل است. در نتیجه قوانین حاکمیت شرکتی در جهان تمرکز خود را بر هم تراز منافع مدیران با کارگزاران قرار می دهند. حاکمیت شرکتی، سیستمی است که ارتباط بین شرکت و ذینفعان را تعیین، کنترل و هدایت می کند (درویش، ۲۰۱۵؛ بدری، ۱۳۸۷؛ بلک و خانا، ۲۰۰۷؛ سولمون، ۲۰۰۴؛ رژی و همکاران، ۲۰۱۹). با افزایش درصد مالکیت سهام و افزایش درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره، منافع سهامداران و مدیران بیشتر همسو شده و از این رو باعث کاهش هزینه های نمایندگی می شود (نیکبخت و همکاران، ۱۳۸۹؛ پترا، ۲۰۰۵؛ فاما و جنسن، ۱۹۸۳). نقش حاکمیتی منحصر به فعالیت های تجاری نیست، بلکه با هدایت کل واحد تجاری، نظارت و کنترل اقدامات اجرایی

مدیران و پاسخگویی آنان به تمام ذینفعان سرو کار دارد (رودپشتی و همکاران، ۱۳۸۹؛ یلفایی و همکاران، ۱۴۰۰). با بررسی اجمالی وضعیت بازار سرمایه، ساختار مالکیت شرکت ها و تفکیک ناچیز مالکیت از مدیریت و نزدیکی سیستم حاکمیت شرکتی در ایران به سیستم درون سازمانی، به نظر می رسد پاسخگویی نزد برخی از مدیران واحدهای اقتصادی از اهمیت لازم برخوردار نیست (کلانتری و همکاران، ۱۴۰۰). اصولاً در این گونه سیستم های حاکمیت شرکتی به دلیل تحقق نیافتن تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت و تاثیر سایر عوامل محیطی، پاسخگویی در سطح پایینی است. استدلال بنیادین مطالعه حاضر این است که مشکلات نمایندگی بین مالکان و مدیران در کشورهای در حال توسعه، مشابه مشکلات مطرح شده در دیدگاه نمایندگی کلاسیک نیست. چرا که در این کشورها، مشکل نمایندگی تحت عنوان تضاد مدیر-مدیر بیان می نمایند (داراوادکار و همکاران، ۲۰۰۰؛ لاپورتا و همکاران، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۱۹۹۸، ۱۹۹۷؛ لائو، ۲۰۰۱؛ یانگ و همکاران، ۲۰۰۸). ایران همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، دارای سطوح بالای تمرکز مالکیت و مالکیت خانوادگی قوی است (گیلسون، ۲۰۰۸). تحت این شرایط، مدیران به دنبال منافع سهامداران عمده بوده و در بسیاری از موارد، نقش های مدیریت و تصمیم گیری تحت کنترل همان افراد است (لی و کیان، ۲۰۱۳). به دلیل ضعف قانونی و مکانیزم های راهبری برون سازمانی، توانایی سهامداران کنترل کننده برای تضييع و تملك حقوق سهامداران اقلیت دارای سهولت بیشتری است (فان و وانگ، ۲۰۰۲؛ رازکو و همکاران، ۲۰۱۶). در مطالعه حاضر، از مدل مدیر-مدیر در تشریح ماهیت تضاد نمایندگی در کشورهای در حال توسعه بهره گرفته می شود (ایزنهات، ۱۹۸۹). به این ترتیب، سوالات اصلی در پژوهش حاضر به این صورت بیان می شوند که:

- ۱) جایگاه فرضیات تئوری نمایندگی مانند بیشینه سازی مطلوبیت، ریسک گریزی، کارگریزی و توانایی پیش بینی آینده در ایران نسبت به سایر کشورها (کشورهای غربی) به چه صورت است؟
- ۲) راهکارهای مالی، نظارتی و انگیزشی برای تسکین مشکلات نمایندگی در سطح کشورهای در حال توسعه تا چه اندازه مناسب و اثربخش هستند؟
- ۳) پیاده سازی مقررات سخت گیرانه در مورد حاکمیت شرکتی و حسابرسی تا چه اندازه می تواند به حل تضاد نمایندگی کشورهای در حال توسعه کمک نماید؟

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- حاکمیت شرکتی و سازوکارهای آن

حاکمیت شرکتی سازوکارها، فرآیندها و روابطی است که به وسیله آن شرکت ها کنترل شده و عملیات آن ها اجرایی می شود. به دیگر سخن راهبری شرکتی ساختار قوانین، عملیات و فرآیندهای مورد استفاده برای هدایت و مدیریت سازمان است (رژئی و همکاران، ۲۰۱۹). در بسیاری از شرکت ها، مدیریت شرکت را افرادی غیر از مالکان و سهامداران بر عهده دارند. تفکیک مالکیت از مدیریت در بسیاری از شرکت ها سبب بروز مشکلاتی می شود. به همین دلیل، مفهوم حاکمیت شرکتی به منظور رفع مشکلات ناشی از تفکیک مالکیت شرکت و مدیریت آن ابداع شد. حاکمیت شرکتی در سطح ابتدایی با مسائلی مواجه است که از تفکیک مالکیت و اداره شرکت ناشی می شود، اما این مفهوم فراتر از آن است که فقط رابطه ای شفاف بین مدیران و سهامداران برقرار کند. حاکمیت شرکتی، مجموعه ای از روابط بین مدیریت شرکت، هیات مدیره، سهامداران و ذینفعان دیگر است. علاوه بر آن، ساختاری را ارائه می کند که از طریق آن، اهداف شرکت، ابزار دستیابی به آن اهداف و نظارت بر عملکرد شرکت تعیین می شود (یلفایی و همکاران، ۱۴۰۰).

پاسخگویی

پاسخگویی جوهره وجود و شاه بیت هدف های حاکمیت شرکتی است. با پاسخگویی مناسب شرکت ها، سه هدف دیگر (شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان) حاصل می شود. یافتن پاسخ دقیق درباره میزان اعتقاد و پایبندی مدیران واحدهای اقتصادی ایران به پاسخگویی، نیازمند انجام تحقیق جدی و گسترده است و بررسی دقیق متغیرهای فرهنگی، اقتصادی و سایر متغیرهای مداخله گر در این مورد ضروری است (یلفایی و همکاران، ۱۴۰۰). با این همه بنظر می رسد در ایران پاسخگویی نزد برخی از مدیران واحدهای اقتصادی ضرورتی نداشته و از اهمیت لازم برخوردار نیست.

تفکیک وظایف اعضای هیات مدیره

یکی از محورهای تحولات اخیر در مبحث حاکمیت شرکتی، تاثیر قانون سربینز اکسلی (به عنوان مکانیزم برون سازمانی) در برجسته شدن نقش نظارتی مکانیزم های داخلی آن است. تفکیک دقیق وظایف مدیریت اجرایی از غیر اجرایی، برجسته تر شدن نقش نظارتی آنان و ضرورت داشتن دانش حسابداری و مالی به عنوان یکی از شرایط احراز پست در مورد حداقل یک نفر از مدیران غیر اجرایی و آگاهی بقیه اعضا از مسائل حسابداری

و مالی برخی از تحولات اخیر است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶). در قانون پیشین و اصلاحیه آن به مقوله وظایف هیات مدیره و تفکیک آن توجه چندانی نشده است. امید است در اصلاحیه قانون تجارت به این مهم توجه شده و مورد عنایت قرار گیرد.

نقش حسابرسی داخلی در شرکت های ایرانی

حسابرسی داخلی نقش بسیار کم رنگی در شرکت های ایرانی داشته است. بررسی ها گویای آن است حتی تعداد زیادی از شرکت های بورسی از خدمات حسابرسان داخلی بهره نمی گیرند و آن دسته از شرکت هایی که در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده اند و دارای واحد حسابرسی داخلی هستند نیز به خدمات حسابرسان داخلی عنایت ناچیزی دارند. در سال های اخیر حسابرسی داخلی به عنوان یکی از مکانیزم های درون سازمانی، نقش بسیار با اهمیتی در ساختار حاکمیت شرکتی در جهان پیدا کرده است.

مقایسه نهادهای نظارتی در شرکت های ایرانی با سایر

کشورها

در بیشتر کشورهای اروپایی و در آمریکا، بازار سرمایه گسترده بوده و مالکیت شرکت ها در اختیار گروه کثیری از سرمایه گذاران انفرادی و نهادی قرار دارد و مالکیت از مدیریت تفکیک شده و ذینفعان مستقیم و غیر مستقیم زیادی وجود دارد. بنابراین سیستم حاکمیت شرکتی در آن کشورها به سیستم برون سازمانی نزدیک تر است. این موضوع موجب شده که مکانیزم های متعددی برای حاکمیت شرکتی مناسب تر در واحدهای اقتصادی، مطرح و مستقر شود و شرکت ها مقررات و الزامات زیادی را در انجام وظایف رعایت کنند. بررسی بازار سرمایه، ساختار مالکیت شرکت ها و تفکیک ناچیز مالکیت از مدیریت، حاکی از نزدیکی سیستم حاکمیت شرکتی در ایران به سیستم درون سازمانی است.

۲-۲- تئوری نمایندگی

در برخی موارد رابطه صاحبکار و نماینده در یک سازمان بزرگ و غیر متمرکز مورد بررسی قرار می گیرد. صاحبکار اختیار تصمیم گیری را به نماینده تفویض می نماید و آن گاه باید انگیزه ها یا کنترل های مناسبی را جهت تاثیر گذاری بر تصمیم های مزبور فراهم کند. تئوری نمایندگی عمدتاً به تضاد منافع موجود بین مدیر و مالک اشاره دارد. با بزرگ تر شدن شرکت ها، مالکان، اداره شرکت را به مدیران تفویض کرده اند. جدایی مالکیت از مدیریت، منجر به مشکلات نمایندگی می شود. جنسن و

را در این عبارت خلاصه می‌کند که کارگمار نمی‌تواند توانایی‌های نماینده را ارزیابی کند. کارگمار هنگام عقد قرارداد، تنها می‌تواند اطلاعاتی درباره تحصیلات نماینده و عضویت او در مراجع حرفه‌ای کسب کند؛ اما این اطلاعات نمی‌تواند نشان‌دهنده توانایی و عملکرد واقعی نماینده باشد. بنابراین، احتمال این‌که کارگمار بتواند نماینده مناسبی را برای انجام امور موردنظر انتخاب کند، کمتر می‌شود. خطر اخلاقی به وضعیتی اشاره دارد که در آن نماینده با اتکا بر عدم تقارن اطلاعاتی، این انگیزه را دارد که در جهت منافع کارگمار به‌صورت کارآمد عمل نکند؛ به‌ویژه اگر منافع نماینده و کارگمار همسو نباشد. در این وضعیت کارگمار نمی‌تواند بر رفتار نماینده نظارت کند و تنها می‌تواند درباره پیامد رفتار نماینده، قضاوت کند.

۲-۳- ارتباط نظری میان حاکمیت شرکتی و تئوری نمایندگی

ظهور شرکت‌های سهامی از بزرگ‌ترین تحولات اقتصادی به شمار می‌آید و از نتایج این پدیده جدائی مالکیت از کنترل بوده است. این جدائی این امکان را بوجود آورده است که مدیران تصمیماتی را اتخاذ نمایند که در راستای منافع خود و عکس منافع سهامداران باشد. رشد ابعاد سازمانی شرکت‌ها، سهامداران را با این چالش مواجه کرده که چگونه می‌توانند بر عملکرد مدیران خود نظارت داشته باشند. تضاد منافع در شرکت‌های سهامی بحرانی را ایجاد کرده است که از آن تعبیر به بحران نمایندگی می‌شود. برای کنترل نمایندگی مدیران در شرکت‌ها و اطمینان از ایفای مسئولیت و پاسخگویی شرکت‌های بزرگ سهامی و حمایت از حقوق سهامداران باید ابزارهای قانونی و نظارتی برای مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی شرکت‌ها ایجاد شود. در این باره نظریه نظام راهبری شرکتی (حاکمیت شرکتی) به عنوان یک عامل انگیزش مهم در جهت کنترل رفتارمدیران مطرح شد. تعیین وظایف و اختیارات هریک از ارکان شرکت و نهادینه کردن اصل شفافیت و افشای اطلاعات از مهمترین اصول نظام راهبری شرکتی به شمار می‌آید که در کاهش تضاد منافع مدیران با سهامداران بسیار موثر است (سیداحمدی سجادی، ۱۳۸۸). تعاریف حاکمیت شرکتی در یک طیف قرار دارد که در یک سمت طیف دیدگاه محدود است که به رابطه بین شرکت و سهامداران محدود می‌شود که این الگو در قالب تئوری نمایندگی بیان می‌شود در طرف دیگر طیف دیدگاه گسترده است که در قالب تئوری ذینفعان بیان می‌شود. تحقیقات بسیاری در زمینه حاکمیت شرکتی انجام گرفته که بر اساس آن‌ها ساختار شرکتی مناسب باعث پیشرفت شرکت، دستیابی به روش‌های تامین مالی، هزینه پایین سرمایه و عملکرد بهتر شده

مکلینگ (۱۹۷۶) مبانی تئوری نمایندگی را مطرح نموده و مدیران را کارگزار و سهامداران را کارگمار، تعریف نموده اند. تصمیم‌گیری‌های روزمره به مدیران تفویض می‌شود؛ اما آنان لزوماً در جهت منافع مالکان حرکت نمی‌کنند. یکی از فرضیه‌های تئوری نمایندگی، تضاد منافع بین مالک و مدیر است. یعنی سهامدار به دنبال رسیدن به بالاترین مرحله ارزش سرمایه‌گذاری و مدیر نیز به دنبال افزایش ثروت خود می‌باشد؛ بنابراین این احتمال وجود دارد که مدیر، در راستای منافع سهامدار عمل ننماید (کوکی و گوئیزانی، ۲۰۱۷). اختلاس و فساد مالی مدیر و خارج ساختن منافع سهامدار از شرکت، نمونه‌هایی از تضاد منافع می‌باشند.

تضاد منافع و هزینه‌های نمایندگی

تضاد منافع وضعیتی است که در آن فرد یا سازمانی در مقام نماینده بتواند به نفع خود و درعین‌حال به ضرر کارگمار اقدام کند. اگر در رابطه نمایندگی، مالکیت از مدیریت تفکیک شود و نماینده و کارگمار، هر دو به دنبال حداکثر کردن مطلوبیت خود باشند، این وضعیت به تضاد منافع ختم می‌شود جنسن و مکلینگ، (۱۹۷۶). تضاد منافع بین طرفین رابطه نمایندگی، عامل اصلی بروز هزینه‌های نمایندگی است به‌طور کلی، کارگمار با اعمال نظارت می‌تواند هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد (ایزنهارت، ۱۹۸۹).

عدم تقارن اطلاعاتی

تئوری نمایندگی بیانگر وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین کارگمار و نماینده است این تئوری به این حقیقت اشاره دارد که نماینده نسبت به کارگمار، اطلاعات بهتری درباره توانمندی‌ها، ارجحیت‌ها و سطح تلاش خود دارد. در نتیجه، کارگمار به‌راحتی نمی‌تواند نماینده مناسب را شناسایی کند و به‌راحتی هم نمی‌تواند مزایای جبران خدمات نماینده را با توانمندی او پیوند دهد. همچنین نماینده به علت حضور و کار مستمر در شرکت به اطلاعاتی دسترسی دارد که دسترسی به آن اطلاعات برای کارگمار بدون صرف هزینه امکان‌پذیر نیست. نماینده این فرصت را دارد که از این اطلاعات در جهت منافع خود استفاده کند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰).

انتخاب نادرست و خطر اخلاقی

انتخاب نادرست و خطر اخلاقی از دیگر مسائل ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی است. این دو مسئله به‌ویژه با انگیزه‌های مدیریت و نظارت مرتبط است. سلطانی (۲۰۰۷) مسئله انتخاب نادرست

حیدرپور و نظری طجر (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر هزینه نمایندگی در رابطه با نظام حاکمیت شرکتی و هزینه سرمایه سهام پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین نظام حاکمیت شرکتی و هزینه سرمایه رابطه معکوس وجود دارد. یعنی شرکت‌ها هرچه نظام حاکمیت شرکتی بهتری داشته باشند، هزینه تأمین مالی کمتری متحمل خواهند شد. در واقع هر چه هزینه‌های نمایندگی کمتر باشد سرمایه‌گذاران اطمینان بیشتری می‌کنند.

خسروی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان تئوری نمایندگی در پرتو فلسفه سیاسی و حقوق عمومی؛ نتیجه گرفتند که در نظام دموکراتیک، چون نمایندگان منتخب مردم هستند، باید پاسخگوی آن‌ها باشند. این پاسخگویی در راستای تحقق غایت حکومت نمایندگی و تأمین مطالبات و منفعت عمومی است. با پاسخگویی و عدم تأمین اراده عمومی، از نمایندگی کنار گذارده می‌شوند یا در دوره‌های بعدی مورد گزینش عموم قرار نمی‌گیرند.

میرزایی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی اثر معیارهای نمایندگی بر توان رقابت شرکتی پرداختند. نتایج نشان داد در صورتی که توان رقابتی با معیار یک منهای بهای تمام شده کالای فروش رفته به فروش محاسبه می‌گردد، توان رقابتی با یک منهای نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام و نسبت درآمد فروش به مجموع دارایی‌ها رابطه مثبت و معنادار دارد. در مجموع از آن جا که از میان ۹ مدل بررسی شده، در ۶ مدل بین توان رقابتی و معیارهای نمایندگی رابطه معنادار وجود دارد می‌توان نتیجه‌گیری نمود که معیارهای نمایندگی بر توان رقابتی شرکت‌ها موثر خواهند بود.

برادران حسن‌زاده و تقی‌زاده خانقاه (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر رفتار سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که هزینه‌های نمایندگی موجب انحراف از رفتار سرمایه‌گذاری مطلوب می‌شوند.

جمالی و کرمی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر حساسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که با افزایش تمرکز مالکیت سهامداران، هزینه‌های نمایندگی کاهش یافته و با کاهش هزینه‌های نمایندگی، حق‌الزحمه حساسی و احتمال انتخاب موسسه حساسی بزرگ نیز کاهش می‌یابد.

منتقمی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی اهمیت تضاد منافع در شرکت‌ها در چارچوب تئوری نمایندگی و نظام حاکمیت شرکتی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد حاکمیت شرکتی که در اصول و مبانی نظری دارای مزیت‌ها و اهدافی چون کنترل، نظارت، شفافیت و پاسخگویی شرکت‌ها نسبت به گروه‌های

است (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). آغاز حاکمیت شرکتی از طریق مالکیت سهام، تأثیر چشمگیری بر روش کنترل شرکت‌ها داشت و به این ترتیب، مالکان، اداره شرکت را به مدیران تفویض کردند. جنسن و مک‌لینگ^۱ (۱۹۷۶)، مبانی تئوری نمایندگی را مطرح کردند (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). آن‌ها مدیران شرکت را به عنوان کارگزار و سهامداران را به عنوان کارگزار تعریف کردند. مشکل در اینجا، آن است که کارگزار لزوماً به نفع کارگزار تصمیم‌گیری نمی‌کند بنابراین با شکل‌گیری رابطه نمایندگی و به وجود آمدن مشکلات نمایندگی، از قبیل تضاد منافع بین طرفین، هزینه‌های نمایندگی ایجاد شده اثر معکوسی بر ارزش شرکت دارد؛ یعنی اگر بازار، انتظار وقوع چنین هزینه‌هایی را داشته باشد، ارزش شرکت کاهش خواهد یافت (حمیدیان و سعادتیان، ۱۳۹۶). حاکمیت شرکتی، به عنوان فرآیند نظارت و کنترل به منظور حصول اطمینان از این که مدیریت شرکت در راستای منافع سهامداران فعالیت می‌کند، تعریف می‌شود (یگانه، ۱۳۸۵).

۲-۴- پیشینه مطالعات انجام شده

۲-۴-۱- مطالعات داخلی

یلفایی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر تاخیر گزارش حساسی در صنعت بیمه ایران پرداختند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که در شرکت‌های بیمه، متغیرهای نفوذ مدیر عامل و استقلال هیات مدیره با تاخیر گزارش حساسی رابطه معنادار و مثبت و مالکیت نهادی با تاخیر گزارش حساسی رابطه معنادار و منفی دارد. در مجموع نتایج نشان می‌دهد که عوامل حاکمیت شرکتی رابطه معناداری با تاخیر گزارش حساسی دارند.

حسینی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان طراحی و تحلیل بازی مالیاتی بین شرکت و دولت با بکارگیری تئوری بازی، نتیجه گرفتند که رابطه بین اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی بصورت منفی و معنادار بدست می‌آید. هم چنین این نتیجه حاصل شد که در ترکیب استراتژی پذیرش مالیاتی و استراتژی حاکمیت شرکتی قوی، طرفین بازی مالیاتی به تعادل در منافع خود دست می‌یابند که این ترکیب تعادل بخش غالب است.

حاجیهی و شاکری (۱۳۹۸) به بررسی ارتباط حاکمیت شرکتی، افشای مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد بین معیار تمرکز مالکیت و مسئولیت اجتماعی ارتباط معنادار وجود دارد ولی بین معیار درصد سهام در دست سهامداران عمده و مسئولیت اجتماعی ارتباط معناداری مشاهده نشد.

مختلف داخلی و خارجی است اما در عمل نیازمند بسترسازی لازم هم چون مشارکت و حسابرسی داخلی می باشد.

۲-۴-۲- مطالعات خارجی

سیفتکی و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه ای با عنوان حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت در بازارهای نوظهور (شواهدی از ترکیه)؛ نتیجه گیری کردند که افزایش مالکیت متقابل بر عملکرد بازار تأثیری ندارد، اما با عملکرد حسابداری رابطه منفی دارد. برعکس، بخش اعظمی از اعضای خانواده در هیئت مدیره، تأثیر قابل توجهی بر عملکرد ندارند.

رژ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر بین المللی سازی هیات مدیره بر مدیریت سود شرکت های شمال اروپا پرداختند. یافته ها نشان داد که بین مدیریت سود و استقلال هیئت مدیره رابطه منفی معنادار و بین مدیریت سود و ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام رابطه معنادار و منفی وجود دارد. هم چنین بین بازده دارایی ها، اندازه و اهرم هم رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. بنابراین استقلال هیات مدیره به عنوان یکی از مکانیزم های حاکمیت شرکتی ابزاری برای کاهش مدیریت سود است.

لوو همکاران (۲۰۱۸) به بررسی ارتباط قابلیت فهم گزارش های سالانه و هزینه های نمایندگی شرکت پرداختند. نتایج نشان داد شرکت هایی که گزارش های سالانه خواناتری را ارائه می دهند، هزینه های نمایندگی کمتری نیز دارند.

رهمواتی و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی این موضوع پرداختند که چطور تئوری نمایندگی، تئوری نظارت و سرمایه فکری به عنوان راه حلی برای تعارض نمایندگی عمل می کنند. نتایج نشان می دهد که تئوری نمایندگی اهمیت یک چارچوب اصولی را توضیح می دهد، به این صورت که با عمل در چارچوب تئوری نظارت و سرمایه فکری، نماینده منافع مشابهی را برای اقدام در جهت افزایش ارزش شرکت و کاهش تعارضات نمایندگی دارد.

مصطفی (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان فرهنگ و تئوری نمایندگی در کشور مالزی؛ به این نتیجه رسید که رابطه معناداری بین هزینه های نظارت مورد نیاز شرکت های تحت کنترل گروه های مختلف قومی در مالزی وجود دارد.

چو و وو (۲۰۱۴) به بررسی نقش حسابرس در تضاد نمایندگی و حاکمیت شرکتی پرداختند. نتایج نشان داد که مشخصات حاکمیت شرکتی تنها در سطوح پایین و متوسط هزینه های نمایندگی می توانند تصمیمات انتخاب حسابرس را توضیح دهند.

گایینی (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و هزینه های نمایندگی پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که با پیچیده تر شدن ساختار مالکیت، هزینه های نمایندگی افزایش می یابد. شرکت های با مالکیت مدیریت (کنترلی) بیشتر، هزینه های نمایندگی بالاتری دارند. در نهایت، وجود سهامداران بزرگ خارج از تیم مدیریت، هزینه های نمایندگی را کاهش می دهد.

۳- سوالات پژوهش

با توجه به بیان مساله پژوهش و این که هدف اصلی از پژوهش حاضر، بازبینی مفروضات تئوری نمایندگی در نظام حاکمیت شرکتی در ایران است، سوالات مبتنی بر اهداف پژوهش را می توان به صورت زیر تبیین نمود:

۱) جایگاه فرضیات تئوری نمایندگی مانند بیشینه سازی مطلوبیت، ریسک گریزی، کارگریزی و توانایی پیش بینی آینده در ایران نسبت به سایر کشورها به چه صورت است؟

۲) راهکارهای مالی، نظارتی و انگیزشی برای تسکین مشکلات نمایندگی، در سطح کشورهای در حال توسعه تا چه اندازه مناسب و اثربخش هستند؟

۳) پیاده سازی مقررات سخت گیرانه در مورد حاکمیت شرکتی و حسابرسی تا چه اندازه می تواند به حل تضاد نمایندگی کشورهای در حال توسعه کمک نماید؟

در همین رابطه، سوالات اولیه مطالعه حاضر به منظور بحث و بررسی ابعاد تحقیق و اجرای مصاحبه عمیق با مخاطبان، به شرح زیر می باشند:

۱) وضعیت فعلی حاکمیت شرکتی در ایران چگونه است؟
۲) مهمترین مشکلات مربوط به حاکمیت شرکتی در ایران کدامند؟

۳) اهداف تدوین آیین نامه حاکمیت شرکتی توسط سازمان بورس اوراق بهادار در مورد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چه بوده است؟

۴) سازوکارهای حاکمیت شرکتی تدوین شده سازمان بورس اوراق بهادار تا چه اندازه مناسب و اثربخش هستند؟

۵) چه کسی مدیریت شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را تحت نظارت دارد؟

۶) آیا استقلال هیئت مدیره به عنوان مکانیزمی اثربخش برای نظارت و کنترل قلمداد می شود؟

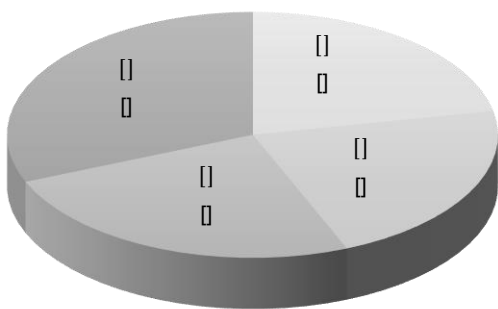
۷) منافع مالکان شرکت ها چگونه محافظت می شود؟

۸) آیا سازوکارها و مکانیزم های فعلی تدوین شده، منافع اقلیت را تأمین می کنند؟

مشخص نبود. در این راستا، مشروط گردید که اشخاص برگزیده، دست کم دارای ویژگی‌های زیر باشند :

- مدرک دکتری حسابداری
- کرسی تدریس در مقاطع تحصیلات تکمیلی
- عضویت در مجامع حرفه‌ای
- دارا بودن سابقه مدیریتی (مدیر میانی، مدیرعامل یا هیئت مدیره)

زمانی که یک مطالعه موردی اجرا می‌شود، معمولاً از روش گزینش موارد بارز استفاده می‌گردد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). این روش معمولاً در مواردی که زمینه تحقیق جدید بوده و تحقیق‌های کیفی معدودی در آن زمینه انجام شده است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. دیگر روشی که در این تحقیق کاربرد دارد، نمونه‌گیری از موارد شناخته شده است که در آن، از نظر یک متخصص یا مطلع کلیدی استفاده می‌شود. این روش، زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که محقق، اطلاعات کافی در مورد گزینش نمونه ندارد و می‌بایست بر نظر متخصصان در این زمینه متکی باشد در این روش، افرادی که با دیدگاه‌های خود قادر به در اختیار گذراندن اطلاعات مفید هستند، مورد توجه قرار می‌گیرند. به این ترتیب، در پژوهش حاضر از رویکرد کیفی - تفسیری استفاده شد و پس از انجام بررسی‌های متعدد، در ابتدا تعداد ۵۲ مصاحبه نیمه ساختاریافته با پرسش‌های باز صورت گرفت سپس پرسشنامه تدوین شده که روایی آن به تایید خبرگان رسیده بود در میان ۳۲ نفر از خبرگان دانشگاهی و صاحب نظر در زمینه مدیریت مالی و حسابداری به عنوان نمونه آماری توزیع و پس از گردآوری این داده‌ها برای تحلیل عاملی تاییدی این سازه‌ها استفاده گردید.



نمودار ۱- مشارکت کنندگان در پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش

قابل ذکر است که ملاحظات اخلاقی در اجرای پژوهش در نظر گرفته شد که نشان دهنده میزان احترام پژوهشگر به مصاحبه شونده است (جرارد و تیلور، ۲۰۰۴). در این خصوص با اطلاع

- ۹) چگونه مشخص می‌شود مالک تحت حمایت آیین‌نامه حاکمیت شرکتی، سهامدار اقلیت است؟
- ۱۰) آیا کیفیت سازوکار حاکمیت شرکتی شرکت‌های بورس اوراق بهادار، رضایت‌بخش است؟
- ۱۱) آیا تدوین مقررات سخت‌گیرانه می‌تواند کیفیت حاکمیت شرکتی شرکت را تقویت نماید؟
- ۱۲) آیا امکان اعضای موظف شرکت‌ها علیه مدیرعامل و تیم مدیریتی وجود دارد؟

۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است که در آن با استفاده از رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد، به بررسی ارتباط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و آزمون مجدد تئوری نمایندگی در ایران پرداخته شده است. رویکرد نظریه داده بنیاد^۱ یک نوع روش پژوهش کیفی است که به طور استقرایی یک سلسله رویه‌های سیستماتیک را بکار می‌گیرد تا نظریه‌ای درباره پدیده مورد مطالعه ایجاد کند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). سه رویکرد مسلط در رویکرد نظریه داده بنیاد قابل تفکیک است: رهیافت نظام مند که با اثر استراوس و کوربین شناخته می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸)، رهیافت ظاهر شونده که مربوط به اثر گلیزر (گلیزر، ۱۹۹۲) است و رهیافت ساخت گرایانه که توسط چارمز حمایت می‌شود (چارمز، ۱۹۹۰). در این پژوهش از رهیافت نظام مند استفاده شده است. مشخصات پژوهش حاضر از حیث روش‌شناسی به اختصار به این شرح است: جهت‌گیری پژوهش: بنیادی؛ روش پژوهش: کیفی؛ فلسفه پژوهش: تفسیری؛ استراتژی پژوهش: نظریه داده بنیاد؛ رویکرد پژوهش: استقرایی؛ هدف پژوهش: اکتشافی و شیوه گردآوری داده‌ها به صورت مصاحبه نیمه ساختار یافته است. در نمونه‌گیری (انتخاب مشارکت کنندگان) پژوهش کیفی که آن را نمونه‌گیری هدفمند یا نمونه‌گیری تئوریک می‌نامند (کرس ول، ۲۰۰۷)، هدف پژوهشگر انتخاب مواردی می‌باشد که با توجه به بیان مسأله و هدف تحقیق سرشار از اطلاعات باشد و محقق را در شکل دادن مدل نظری خود کمک نماید و این کار تا جایی ادامه می‌یابد که طبقه بندی مربوط به داده‌ها و اطلاعات اشباع و نظریه مورد نظر با تمام جزئیات و با دقت تشریح شود (کرس ول، ۲۰۰۷). به منظور غنای پژوهش تلاش شد تا با افرادی که شخصا موضوع پژوهش را تجربه کرده و از دانش و تجربه بالایی در این زمینه برخوردار هستند مصاحبه صورت گیرد. جامعه آماری این پژوهش که ویژگی‌های آنان در نمودار شماره ۱ ارائه شده است عبارت بودند از خبرگان رشته حسابداری که هم در دانشگاه و هم در حرفه (حسابداری یا حسابرسی) فعالیت داشته‌اند و تعداد آن‌ها

مشارکت کنندگان تمام مصاحبه ها ضبط و برای استخراج نکات کلیدی بررسی شدند. پس از اعلام موافقت، مصاحبه ها با هدف شناسایی و تعیین ابعاد و مولفه های تئوری نمایندگی در ایران برگزار شد.

۵- تجزیه و تحلیل داده ها (کدگذاری)

در رهیافت نظام مند در نظریه پردازی داده بنیاد بر استفاده از گام های تحلیل داده ها و تدوین یک الگوی منطقی با یک توصیف بصری از نظریه تولید شده تأکید دارد. تجزیه و تحلیل داده های این پژوهش بر اساس دستورالعمل استراوس و کوربین (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰)، انجام گرفت و شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی است.

۵-۱- کدگذاری باز

در پژوهش حاضر، مصاحبه های ضبط شده پس از پیاده سازی، با استفاده از روش تحلیل محتوا به صورت سطر به سطر و عبارت به عبارت بررسی، مفهوم پردازی، مقوله بندی و سپس بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز، مفاهیم و مقولات (طبقه ای از مفاهیم) مشخص گردیدند. تمام نقل قول ها و مصاحبه ها مورد بررسی و مقایسه مداوم داده ها صورت گرفت. بعد از خواندن مکرر و دقیق متن تایپ شده مصاحبه ها و موارد ذکر شده در آن، واحدهای معنی دار معرفی، توضیح و نامگذاری شدند. در فرآیند پژوهش، پژوهشگر به ۱۴ برچسب مفهومی رسید که این مفاهیم بر اساس تشابه آنها طبقه بندی شدند. زمانی که مفاهیم با یکدیگر مقایسه شدند و مشخص شد که به پدیده های مشابه مربوط هستند، مقوله ها کشف شدند. بنابراین مفاهیم در سطحی بالاتر دسته بندی می شوند. یعنی عنوانی که به مقوله ها اختصاص داده می شود، انتزاعی تر از مفاهیمی است که مجموعاً آن مقوله را تشکیل می دهند و در نهایت سه مقوله فرعی و یک مقوله اصلی شناسایی شد.

۵-۲- کدگذاری محوری

کدگذاری محوری، فرآیند ربط دهی مقوله ها به زیر مقوله هایشان و پیوند دادن مقوله ها در سطح ویژگی ها و ابعاد است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در این مرحله، مقوله ها، ویژگی ها و ابعاد حاصل از کدگذاری باز تدوین شده، و سر جای خود قرار می گیرند تا دانش فزاینده ای در مورد روابط ایجاد گردد (لی، ۲۰۰۱). در این مرحله، نظریه پردازی داده بنیاد، یک مقوله کدگذاری باز را انتخاب و آن را در مرکز فرآیندی که در حال بررسی آن است قرار می دهد و دیگر مقوله ها را به آن ربط می دهد. این مقوله های دیگر عبارتند از:

شرایط علی: شرایطی هستند که مقوله اصلی را تحت تاثیر قرار داده و به وقوع یا گسترش پدیده مورد نظر منجر می شوند. در پژوهش حاضر حاکمیت شرکتی به عنوان شرایط علی انتخاب شد، زیرا بر مقوله محوری تاثیر دارد.

مقوله اصلی یا محوری: پدیده ای است که اساس و محور فرآیند است. لذا باید به اندازه کافی انتزاعی بوده و بتوان سایر مقولات اصلی را به آن مرتبط کرد. پدیده ی محوری مورد مطالعه در این پژوهش، بازنگری تئوری نمایندگی است.

زمینه یا بستر: شرایط خاصی که در آن فرآیندها و تعاملات برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده صورت می گیرد و بر راهبردها تاثیر می گذارد. شرایط زمینه ای در این پژوهش شامل ۳ مولفه: ویژگی های فرهنگی جامعه، شرایط موجود در جامعه حرفه ای و ساختار اقتصادی کشور است.

شرایط مداخله گر: شرایط کلی که به چگونگی فرآیندها و راهبردها تاثیر می گذارد و باعث تشدید یا تضعیف پدیده ها می شوند. در پژوهش حاضر و بر اساس تحلیل محتوای مصاحبه ها ۳ مولفه به عنوان شرایط مداخله گر شناسایی شدند.

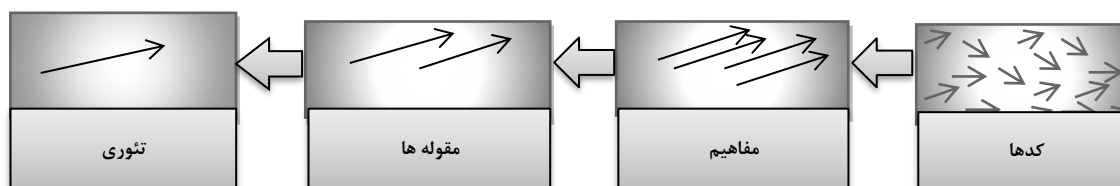
راهبردها: کنش یا برکنش های خاصی که از پدیده محوری منتج می شود.

پیامدها: خروجی هایی هستند که در اثر استخدام راهبردها بوجود می آیند.

روابط بین مقوله های شکل گرفته در دادها نشان می دهد که الگوی شکل گرفته با شکل اصلی الگوی پارادایمی استراوس و کوربین (۱۹۹۰) تطابق دارد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). یعنی پدیده محوری متأثر از شرایط علی بوده و خود بر راهبردها تاثیرگذار است. راهبردها نیز به نوبه خود تحت تاثیر شرایط زمینه ای و مداخله گر، پیامدهای مرتبط با پدیده مورد بررسی را شکل می دهند.

۵-۳- کدگذاری انتخابی (مرحله نظریه پردازی)

در این مرحله نظریه پرداز داده بنیاد مقوله محوری را که (سایر مقولات بر محور آن می گردند و کلیتی را تشکیل می دهد) به طور روش مند انتخاب و با ارتباط دادن آن با سایر مقوله ها به نگارش نظریه اقدام می کند. فرآیند استخراج تئوری از داده ها در تئوری مفهوم سازی بنیادی در شکل شماره ۲ نشان داده شده است (فلش های تقریباً همسو بیانگر کدگذاری مناسب با سؤال پژوهش است).



شکل ۲- فرآیند استخراج تئوری از داده ها در تئوری مفهوم سازی داده بنیاد

به تفکیک سوالات مورد نظر استخراج و آنها را یادداشت نمودیم. پاسخ های مشترک هر ۱۴ کد را مشخص و در جدول دسته بندی نمودیم. سپس برای همه پاسخ های افراد در ستون بعدی جدول مفهوم نهایی را متناسب با گویه ها می نویسیم. کدبندی داده ها بر اساس استراتژی داده بنیاد در جدول ۱ آمده است.

۵-۳-۱- کدبندی داده ها بر اساس استراتژی داده بنیاد
با استفاده از روش مصاحبه و کدگذاری پس از مطرح کردن سوال اصلی از نمونه آماری اولیه به تعداد ۳۲ نفر خواسته شد تا به سوالات مصاحبه پاسخ دهند. پس از گردآوری اطلاعات و کدگذاری مصاحبه ها بر اساس کد مربوط به مصاحبه شونده و

جدول ۱- کدبندی داده ها بر اساس استراتژی داده بنیاد

مفهوم	مشترکات	داده های خام
ریسک گریزی	۱۱،۱۴،۹،۵،۳،۱،۲	ریسک گریزی به زمینه های نهادی وابسته است.
	۳،۸،۹،۱۳،۱۲،۱۰	ریسک تحت تاثیر اولویت شخصی افراد قرار دارد.
	۷،۱۱،۱۴،۶،۴،۱	سهامداران به علت گستردگی نهادهای حکومتی ضعیف، تمایل به سرمایه گذاری ندارند.
	۲،۳،۴،۵،۹،۱۱	گزینه های سرمایه گذاری محدود است.
نظارت	۶،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴	سرمایه گذار، دولت را مانع سرمایه گذاری می داند.
	۱،۲،۳،۶،۷،۹،۱۰،۱۴	نظارت بر مدیر اجرایی مسیروسه استفاده را می بندد .
	۸،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۴،۵	سهامدارن عمده تمایل ندارند که مدیران غیر موظف بر فعالیت های آنان نظارت داشته باشد.
	۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۲،۴،۷،۹	اغلب شرکت ها، تحت مالیکت نهادهای دولتی و حکومتی هستند.
پاداش	۸،۷،۶،۵،۴،۳،۲	قدرت و نفوذ مدیر عامل نظارت را تضعیف می کند.
	۱۳،۱۴،۱۲،۱۱،۱۰،۹،۸،۵	مدیران غیر موظف نقش مدیران مصنوعی را دارند و نقشی در نظارت بر شرکت ندارند و فقط جیره خوار هیات مدیره هستند.
	۲،۱،۱۱،۴،۶،۵،۷،۹،۱۲،۱۳،۱۴	پاداش راه هم ترازای منافع مالکان و مدیران نیست.
	۳،۵،۴،۶،۹،۱۰	اعطای پاداش اغلب تابع سودآوری و عملکرد مالی شرکت نیست.
	۱،۲،۳،۳،۴،۵،۶،۱۱	مدیر تصور دارد که شرکت اموال شخصی آنان است.
	۱۴،۷،۸،۹،۱۲،۱۳،	رانت اطلاعاتی را بر پاداش ترجیح می دهند.

منبع: یافته های پژوهش

کنندگان و مرور خبرگان غیر شرکت کننده در پژوهش (۵ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه و ۵ نفر دانشجوی دکتری حسابداری) استفاده و پس از دریافت نظرهای اصلاحی، ویرایش لازم انجام گردید.

۷- ابعاد بازبینی شده از مفروضات تئوری نمایندگی در

نظام حاکمیت شرکتی در ایران

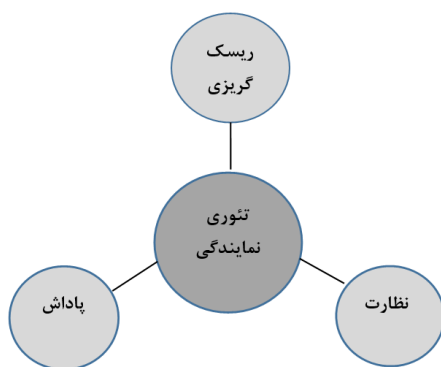
۷-۱- ریسک گریزی

نتایج بررسی های پژوهش حاضر در حوزه ریسک گریزی، نشان داد که رفتار ریسک پذیری یا ریسک گریزی به میزان زیادی به

۶- اعتبار سنجی نظریه داده بنیاد

برخی از پژوهشگران کیفی بحث در باره اعتبار و روایی داده ها و نتایج پژوهش را به طور سنتی به پژوهش های کمی مربوط می دانند (کرس ول و میلر، ۲۰۰۰؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۰). اما واقعیت این است که در پژوهش های کیفی نیز صحت و اعتبار داده ها و یافته ها بخش با اهمیت از فرآیند پژوهش است (کرس ول، ۲۰۱۲). مواردی هم چون حساسیت پژوهشگر، روش شناسی، متناسب بودن نمونه، گردآوری و تحلیل همزمان داده ها، باعث می شوند تا حد زیادی دقت علمی تحقیق کیفی تضمین شود. در پژوهش حاضر از دو روش بازبینی مشارکت

را ندارند، در عوض، آنان مزایای مالی خود را از طریق سنگربندی و جبهه‌گیری به دست می‌آورند. بنابراین، استنتاج می‌شود که در کشوری مثل ایران، در جایی که محیط سازمانی اجازه فساد و سوءاستفاده برای غلبه بر مقررات و کسب منافع را می‌دهد، شکل‌دهی قراردادهای رسمی اعطای پاداش، نمی‌تواند به‌عنوان یک سازوکار اثربخش حاکمیت شرکتی، ایفای نقش نماید. ابعاد بازبینی شده از تئوری نمایندگی در کشورهای در حال توسعه (ایران) در شکل ۳ ارائه شده است.



شکل ۳- ابعاد بازبینی شده از تئوری نمایندگی در کشورهای در حال توسعه (ایران)

۸- بحث و نتیجه‌گیری

با وجود تاخیر در مطرح شدن مبحث حاکمیت شرکتی در ایران، لازم است در این حوزه تلاش مجدانه صورت گیرد. حاکمیت شرکتی که در اصول و مبانی نظری دارای مزیت‌ها و اهدافی چون کنترل، نظارت، شفافیت و پاسخگویی شرکت‌ها نسبت به گروه‌های مختلف داخلی و خارجی است اما در عمل نیازمند بسترسازی لازم هم چون مشارکت و حسابرسی داخلی می‌باشد. وضعیت بازار سرمایه، ساختار مالکیت شرکت‌ها و تفکیک ناچیز مالکیت از مدیریت و غلبه اقتصاد دولتی، باعث شده است تا پاسخگویی و رعایت اصول حاکمیت شرکتی نزد مدیران اقتصادی ضرورتی نداشته و از اولویت لازم برخوردار نباشد. به دلیل فقدان شفافیت در گزارشگری و فرمایشی بودن نظارت‌ها و کنترل‌ها همواره ریسک‌های مختلف، وضعیت مالی شرکت‌ها را تهدید می‌کنند. به نظر می‌رسد که شرکت‌های ایرانی با وجود فاصله‌ای که تا سطح مطلوب حاکمیت شرکتی دارند با این حال گام‌های موثری در جهت بهبود برداشته‌اند. داده‌های پژوهشی، در خصوص گستره مفهومی، ابعاد و مولفه‌های موثر بر بازنگری مفروضات تئوری نمایندگی در نظام حاکمیت شرکتی در ایران در این پژوهش بررسی و تحلیل شده است. بررسی‌های صورت گرفته موید وجود مفروضات؛ تضاد منافع مدیر و مالک، عدم

زمینه‌های نهادی وابسته است و در عین حال، تحت تأثیر اولویت‌های ریسکی شخصی افراد قرار دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدیران مالک (سهامداران کنترل‌کننده)، به علت گستردگی نهادهای حکومتی ضعیف در کشور، گزینه‌های سرمایه‌گذاری محدودی دارند و ریسک‌گریز هستند. از سوی دیگر، دولت به عنوان یک عامل ایجاد موانع برای توسعه شرکت‌ها شناخته شده است. به نظر می‌رسد که فرض تئوری نمایندگی مبنی بر این‌که نمایندگان/مدیران، ریسک‌گریزی بیشتر نسبت به مالکان دارند و این‌که ریسک‌گریزی سرمایه‌گذاران اقلیت نسبت به سرمایه‌گذاران اکثریت و عمده بیشتر است، در سطح کشورهای در حال توسعه با ساختار نهادی مشابه ایران، مصداق نداشته باشد.

۲-۷- نظارت

بر پایه نتیجه‌گیری‌های صورت گرفته درباره سهامداران عمده حاضر در هیئت مدیره در کشورهای نظیر ایران، مبنی بر این‌که آنان در طراحی بسته‌های تشویقی برای خود بسیار قدرتمند بوده و طراحی قراردادهای مناسب اعطای پاداش نمی‌تواند فرصت‌طلبی مدیریتی آنان را کاهش دهد، به نظر می‌رسد که نظارت بر مدیر اجرایی تنها راه حل کنترل سوءاستفاده‌های مدیریتی باشد. از آنجا که بسیاری از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار دارای سهامداران عمده قدرتمند و نهادی و بعضاً دولتی هستند، در برابر حضور مدیران غیرموظف در هیئت مدیره مقاومت کرده و تمایل نشان نمی‌دهند. یافته‌ها نشان داد که اکثر هیئت مدیره‌ها در ایران، نه مستقل هستند و نه اثربخش. باتوجه به شرایط خاص فعالیت در اقتصاد ایران و پیچ و خم‌های عملیاتی، افرادی که تجربه عملیاتی کافی و آشنایی با این امور ندارند، نمی‌توانند دردی از شرکت دواء کنند. بنابراین، دلیلی برای استفاده از مدیران غیرموظف در هیئت مدیره نمی‌بینند.

۷-۳- اعطای پاداش

نتایج بررسی‌ها نشان داد که قرارداد اعطای پاداش، راهکار مناسبی برای هم‌تراز نمودن منافع مالکان و مدیران در ایران نیست، چراکه اعطای پاداش در موارد متعددی، پیرو سودآوری و عملکرد مالی شرکت نبوده است. تحلیل‌های صورت گرفته در این مطالعه در سطح کشور ایران نشان می‌دهد که مدیران و سایر اعضای تیم مدیریتی، این تصور را دارند که شرکت یکی از اموال شخصی آنان است و سهم بزرگتر در شرکت، قطعاً آنان را در موقعیت بهتری برای تصمیم‌گیری در مورد امور شرکت قرار می‌دهد، دسترسی آنان به اطلاعات را بهبود می‌بخشد و کنترل آنان بر امور اجرایی شرکت را تقویت می‌کند. علاوه بر این، نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که مالکان عمده، انتظار اخذ پاداش از شرکت

راه‌کارهایی را بیان کند. بدین سبب، در ادامه پیشنهاد هایی کاربردی مطابق با نتایج پژوهش ارائه می‌شود.

۹-۱- اهم پیشنهادهای مخاطبان مصاحبه‌های صورت گرفته در راستای بهبود وضعیت پوشش ریسک، وضعیت قراردادهای اعطای پاداش و نظارت هیات مدیره عبارتند از:

- ۱) تقویت قوانین و مقررات الزام‌آور شفافیت.
- ۲) افزایش الزامات قانونی درباره چارچوب‌های ضروری سیستم کنترل داخلی.
- ۳) تقویت نظارت سازمان بورس بر اعضای غیرموظف هیئت مدیره‌ها.
- ۴) افزایش تخصص‌گرایی درگزینش اعضای غیرموظف هیئت مدیره تا نقش مهمتری در امور نظارت ایفا کنند.
- ۵) ایجاد مسئولیت های قانونی و حقوقی برای اعضای غیرموظف هیئت مدیره در راستای افزایش مسئولیت-پذیری آنان.

۲-۹- اهم پیشنهادهای راهکارها، در راستای توسعه حاکمیت شرکتی، عبارتند از:

اصول حاکمیت فارغ از مغایرت ساختاری با قانون تجارت، در نهایت یک آیین نامه است و ضمانت اجرایی لازم را نخواهد داشت. به این ترتیب ضروری است تمهیدات لازم برای قانونمند کردن اصول حاکمیت شرکتی و تدوین راهکارهای اجرایی آن اتخاذ شود. به نظر می‌رسد قبل از تدوین آیین نامه و لازم الاجرا کردن آن ضروری بود ابتدا ساختار مدیریتی و مالکیتی شرکت های تحت پوشش این آیین نامه در ایران، دقیق تر مطالعه و بررسی می‌شد. از این منظر این آیین نامه می‌توانست. بومی تر و با توجه به فرهنگ سازمانی غالب در شرکت های ایرانی تدوین شود. لذا جهت توسعه حاکمیت شرکتی راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

- ۱) تقویت اعتقاد دولت و قانونگذاران به ضرورت اجرای حاکمیت شرکتی در ساختار اقتصادی دستگاه ها و سازمان ها و افزایش فرهنگ و مسئولیت پاسخگویی در بین مسئولان و مدیران.
- ۲) تدوین قوانین و مقررات اصول حاکمیت شرکتی و کاهش تضاد منافع بین قوانین و آیین نامه های اجرایی.
- ۳) تشکیل کارگروه های تخصصی اجرا و نظارت بر اجرای هدفمند حاکمیت شرکتی در سازمان های بزرگ دولتی.

تقارن اطلاعاتی، انتخاب معکوس، خطر اخلاقی، بیشینه‌سازی مطلوبیت مورد انتظار، کارگریزی و عدم تأیید فرض توانایی پیش-بینی آینده و دریافت اطلاعات می‌باشند. هم چنین از پژوهش حاضر نتایج زیر حاصل می‌گردد:

- به واسطه وجود عدم تقارن اطلاعاتی، ریسک‌های بالاتر سرمایه‌گذاری سهامداران اقلیت و مشکلات شفافیت، عدم وجود توانایی پیش‌بینی آینده و دریافت اطلاعات لزوماً تأیید می‌شود. نتایج پژوهش حاضر بصورت مستقیم و غیر مستقیم با نتایج محققانی از قبیل حسینی و همکاران (۱۴۰۰)، رهمواتی و همکاران (۲۰۱۸)، مصطفی (۲۰۱۷)، حمیدیان و سعادتیان (۱۳۹۶)، منتقمی (۱۳۹۳) و... همخوانی دارد.

- از میان مفروضات تئوری نمایندگی؛ ریسک‌گریزی، نظارت و پاداش در نظام حاکمیت شرکتی ایران دارای ابعاد بازمینی شده هستند. نتایج پژوهش حاضر بصورت مستقیم و غیر مستقیم با نتایج محققانی از قبیل حسینی و همکاران (۱۴۰۰)، میرزایی و همکاران (۱۳۹۶)، نمازی (۱۹۸۵) و... همخوانی دارد.

- بسته‌های پاداش و استقلال هیات مدیره ابزار مؤثری برای مدیران مالک در ایران نیستند، بنابراین، سیاست‌گذاران می‌بایست تمرکز خود را از مکانیسم‌های نقش مدیریت داخلی، پاداش مناسب و همچنین استقلال هیات مدیره تغییر دهند. نتایج پژوهش حاضر بصورت مستقیم و غیر مستقیم با نتایج محققانی از قبیل درویش (۲۰۱۵)، بلک و خانان (۲۰۰۷)، بدری (۱۳۸۷) و... همخوانی دارد.

- راهکارهای مالی، نظارتی و انگیزشی برای تسکین مشکلات نمایندگی، در نظام حاکمیت شرکتی ایران چندان موثر نیستند. نتایج پژوهش حاضر بصورت مستقیم و غیر مستقیم با نتایج محققانی از قبیل پترا (۲۰۰۵)، فاما و جنسن (۱۹۸۳)، رژی و همکاران (۲۰۱۹) و... همخوانی دارد.

- سهامدار اقلیت در شرکت های سهامی عام ایران در ظاهر دارای همان حقوق و مزایایی است که سایر سهامداران در شرکت دارند. اما به دلیل تفاوت قدرت در بین سهامداران اقلیت و اکثریت و نیز جدایی مالکیت از کنترل که از آن به هزینه نمایندگی یاد می‌شود، تساوی حقوق در بین سهامداران عملاً مورد خدشه قرار می‌گیرد. نتایج پژوهش حاضر بصورت مستقیم و غیر مستقیم با نتایج محققانی از قبیل فان و وانگ (۲۰۰۲)، رازاگو و همکاران (۲۰۱۶)، جنسن و مک لینگ (۱۹۷۶)، یگانه (۱۳۸۵) و... همخوانی دارد.

۹- پیشنهادهای کاربردی

پس از انجام مراحل یک پژوهش علمی، اگر پژوهش در یک روند سیستماتیک و پژوهش‌گرانه صورت گرفته باشد، پژوهش‌گر می‌تواند نظراتی را در مورد یافته‌ها و نتایج پژوهش و همچنین

هش های حسابداری مالی و حسابرسی ۱۱، (۴۴)، ۱۷۵-۱۹۲.

حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۵). حاکمیت شرکتی در ایران، فصلنامه حسابرس، شماره ۳۲، ۳۹-۳۲.

حسینی، سید علی، داداشی، هانیه (۱۴۰۰). طراحی و تحلیل بازی مالیاتی بین شرکت و دولت با بکارگیری تئوری بازی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۰ (۳۶)، ۲۰۱-۲۱۷.

حمیدیان، محسن، سعادتیان، محمدحسن (۱۳۹۶). هزینه نمایندگی و رشد شرکت، پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار، ۸ (۱۴)، ۶۱-۷۰.

حیدرپور، فرزانه، نظری طجر، محمود (۱۳۹۷). تأثیر هزینه‌های نمایندگی در رابطه با نظام حاکمیت شرکتی و هزینه سرمایه سهام، مدیریت دارایی و تامین سرمایه گذاری، ۶ (۲)، ۹۸-۸۵.

خسروی، حسن (۱۳۹۷). تئوری نمایندگی در پرتو فلسفه سیاسی و حقوق عمومی، تحقیقات حقوقی، ۲۱ (۸۳)، ۱۵۹-۱۸۶.

رهنمای رودپشتی، فریدون، اله کرم صالحی (۱۳۸۹). مکاتب و تئوری های مالی و حسابداری، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

کلانتری، مجید، رضانی، جواد، خلیل پور، مهدی، کامیابی، یحیی (۱۴۰۰). تبیین نقش افق های سرمایه گذاری بر مجموعه تصمیمات شرکتی از منظر حاکمیت شرکتی (کنترل های داخلی و افشاء)، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۰ (۳۹)، ۴۶-۴۴.

منتقمی عزیزاله (۱۳۹۳). اهمیت تضاد منافع در شرکت ها در چارچوب تئوری نمایندگی و نظام حاکمیت شرکتی، دومین همایش ملی رویکردی بر حسابداری، مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فومن و شفت، ۱۳۹۳، ۲۴۷-۲۴۸.

میرزایی، راضیه، مرادزاده فرد، مهدی، بنی مهد، بهمن (۱۳۹۶)، اثر معیارهای نمایندگی بر توان رقابت شرکتی، پژوهش های حسابداری و حسابرسی مالی، ۹ (۳۶)، ۲۶-۱.

نیکبخت، محمدرضا، سیدی، عزیز، هاشم الحسینی، روزبه (۱۳۸۹). بررسی تأثیر ویژگی های هیأت مدیره بر عملکرد شرکت، مجله پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز، ۲ (۱)، ۲۷۰-۲۵۱.

یلفایی، امیر، نوروش، ایرج، طالب نیا، قدرت اله، اصغری زاده، عزت اله، اثر حاکمیت شرکتی بر تاخیر گزارش

۴) نظارت بر اجرای صحیح حاکمیت شرکتی و تعیین آیین نامه انضباطی مجازات تخلف و تقویت ضمانت های اجرایی.

۳-۹- پیشنهاد برای پژوهش های آتی

۱) در این مطالعه، به منظور بازنگری تئوری نمایندگی در کشورهای در حال توسعه، از مصاحبه و پرسشنامه استفاده شد، لذا پیشنهاد می شود با تدوین مدل های ریاضی در مطالعات آتی، موضوع مورد بررسی در این مطالعه مجدداً مورد آزمون قرار گیرد و نتایج مقایسه شوند.

۲) در این پژوهش، خبرگان رشته حسابداری در حرفه و دانشگاه مورد پرسش قرار گرفتند، بنابراین پیشنهاد می شود تا در پژوهش های آتی، این موضوع در سطح سایر متخصصان کشور مانند مدیران شرکت های بورسی نیز بررسی گردد و نتایج مورد مقایسه قرار گیرند

فهرست منابع

ابراهیمی، محسن، وطن پرست، محمدرضا، رضایی، فرزین (۱۴۰۰). طراحی الگوی سوگیری مدیران و حسابرسان مالیاتی با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۰ (۳۹)، ۳۰۸-۳۱۱.

استراوس، ای، کوربین، جی (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای. ترجمه ابراهیم افشار. تهران، انتشارات نشر نی.

بدری، احمد (۱۳۸۷). مبانی و ضرورت راهبری شرکتی، مجموعه مقالات همایش راهبری شرکتی، بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹-۱۲۳.

برادران حسن زاده، رسول، تقی زاده خانقاه، وحید (۱۳۹۵). تأثیر هزینه های نمایندگی بر رفتار سرمایه گذاری، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۸ (۳۲)، ۱۳۹-۱۷۰.

جمالی، امیرحسین، کرمی، محمود (۱۳۹۵). بررسی تأثیر هزینه های نمایندگی بر حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۱۶ (۶۴)، ۹۸-۸۱.

حاجیها، زهره، شاکری، عبدالرضا (۱۳۹۸). حاکمیت شرکتی، افشای مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت. فصلنامه پژوهش

- Glaser, Barney G. (1992), *Emergence vs. Forcing: Basics of Grounded Theory Analysis*, Sociology Press.
- Hart, O. (1995). *Firms Contracts and Financial Structure*. Oxford University Press, New York, NY.
- Ilhan Ciftci, Ekrem Totoglu, Geoffrey Wood, Mehmet Demirbag and Selim Zaim, (2019), "Corporate Governance and firm performance in emerging markets: Evidence from Turkey". *Journal homepage: Elsevier.com* H385.
- Jensen, M. C. & Mackling, W. H. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, 3 (4), 305–360.
- Kouki, M and G. (2017). Ownership structure and dividend policy: Evidence from the Tunisian stock market. *European Journal of Scientific Research*, 25 (1), 42–53.
- LaPorta, R., Sh and V. (2000). Investor protection and corporate governance. *Journal of Financial Economics*, 58 (1), 3–27.
- LaPorta, R., Lopez-de-Silanes, F and Shleifer, A. (1999). Corporate ownership around the world. *The Journal of Finance*, 54 (2), 471–517.
- LaPorta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A. and Vishny, R. (1998). Law and finance. *Journal of Political Economy*, 106, 1113–1155.
- LaPorta, R., Lopez-de-Silanes, F. Shleifer, A. and Vishny, R. (1997). Legal determinants of External finance. *Journal of Finance*, 52, 1131–1150.
- Lau, J. (2010). Defining listed family controlled corporations—an agency theory perspective. *Journal of Enterprising Culture*, 18 (4), 377–397.
- Lee, J. (2001). *A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use*. Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebraska. in Proquest UMI Database.
- Li, J. and Qian, C. (2013). Principal-principal conflicts under weak institutions: A study of corporate takeovers in china. *Strategic Management Journal*, 34(4), 498–508.
- Luo, J-h., Li, X. and Chen, H. (2018). Annual report readability and corporate agency costs. *China Journal of Accounting Research*, <https://doi.org/10.1016/j.cjar.2018.04.001>.
- Mustapha, M. (2017). Culture and Agency Theory: Case Study of Malaysia. *International Business Management*, 11(3), 664–672.
- Namazi, M. (1985). Theoretical Developments of Principal - Agent Employment Contract In Accounting: The State of the Art, *Journal of Accounting Literature*. 4, 113–163.
- Petra, S. T. (2005). Do outside independent directors strengthen corporate boards? *Corporate Governance*, 5: 55–72.
- Rahmawati, A, Moeljadi, T. Djumahir, L and Sumiati, F. (2018). How Do Agency Theory, Stewardship Theory and Intellectual Capital as a Solution for Agency Conflict? *Journal of Management Research*, 10(2), 94–111.
- حسابرسی در صنعت بیمه ایران، پژوهش های حسابداری و حسابرسی مالی، ۱۳(۵۰)، ۱۷۲–۱۶۹.
- Black, B.S and Khanna, V. (2007). Can corporate governance reform increase firm market value: Evidence from India.
- Charmaaz, C. (1990). *Discovering Chronic illness: Using Grounded Theory*. Social Science and Medicine, 30.
- Cho, C and Wu, V. (2014). Role of auditor in agency conflict and corporate governance. *Chinese Management Studies*, 8 (3), 333–353.
- Creswell, J.W. (2012). *Educational Research: Planning, Conducting and evaluating quantitative and qualitative research*, 4th Edition. Boston: Person Publication.
- Creswell, J.W. (2007). *Qualitative Inquiry and Research Design among five Approaches*. 2nd Edition California: Sage Publication.
- Creswell, J.W. Miller DL. (2000). Determining Validity in Qualitative Inquiry. *Theory into Practice*, 39:30–124.
- Darweesh, M. (2015). Correlations between Corporate Governance, Financial Performance, and Market Value. Walden Dissertation and Doctoral Studies, <http://scholarworks.waldenu.edu/dissertations>.
- Dharwadkar, B., George, G and Brandes, P. (2000). Privatization in emerging economies: An agency theory perspective. *Academy of Management Review*, 25 (3), 650–669.
- Drobetz, W. A & Zimmermann, H. (2003). Corporate governance and expected returns: Evidence from Germany.
- Eisenhardt, K.M. (1989). Agency theory: An assessment and review. *Academy of Management Review*, 14 (1), 57–74.
- Fama, E. and Jensen, M. (1983). Separation of Ownership and Control. *Journal of Law and Economics*, 26(2), 301–325.
- Fan, J and Wong, J. (2002). Corporate ownership structure and the informative of accounting earnings in East Asia. *Journal of Accounting and Economics*, 33(3), 401–425.
- Gogineni Sridhar, Scott C. Linn, P K.Y. (2012). Ownership Structure, Management Control and Agency Costs: Direct Empirical Evidence. [online] available at www.ssrn.com
- Gerard, S and Taylor, C. (2004). *Combining Methods in Educational and Social Research* New York: Open University Press.
- Gilson, R. J. (2007). Controlling family shareholders in developing countries: Anchoring relational exchange. *Stanford Law Review*, 60 (1), 633–655.

- Razzaque, R. M. R., Ali, J. and Mather, P. (2016). Real earnings management in family firms: Evidence from an emerging economy. *Pacific-Basin Finance Journal*, 40, 237-250.
- Reggy .H.Niels. H.Lars.O.Trand.R(2019). Strangers on the Board: The Impact of Board Internationalization on Earnings Management of Nordic Firms. *Journal of Management Research*, 12(2), 36-94.
- Strauss, Anselm L. Corbin, Juliet. (1998). *Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, 2nd Ed. Sage.
- Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (1990), *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, Sage.
- Steger, Ulrich & A, Wolfgang (2008). *Corporate Governance: How to Add Value*. John Wiley and Sons Publication.
- Solomon, J. Solomon, A. (2004), "Corporate Governance and Accountability", John Wiley and Sons, Ltd.
- Wolk, Harry I. (2004). "Accounting Theory".
- Young, M.M. W., Ahlstrom, D. B.G. D. and Jiang, Y. (2008). Corporate governance in emerging economies: A review of the principal-principal perspective. *Journal of Management Studies*, 45 (1), 196-220.

یادداشت ها

1. Wolk
2. Stiger and Aman
3. Agency Theory
4. Interest Conflit
5. Mouris
6. Habrij
7. Baiman
8. Jensen and Meckling
9. Fundation Data Strategy



Accounting Knowledge & Management Auditing

Vol. 14/ No. 56/ Winter 2024

Investigating the Relationship between Corporate Governance Mechanisms and Re-Testing of Agency Theory in Developing Countries (A Case Study: Iran)

Mirza Mohammadi

Ph.D. Student of accounting, Faculty of Economics and Accounting Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Rahmatollah Mohammadipour

Assistant Prof., Faculty of Accounting, Islamic Azad University, ilam Branch, ilam, Iran (Corresponding Author)

Ghodratolah Talebnia

Associate Prof., Faculty of Accounting, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

Negar Khosravipour

Assistant Prof., Faculty of Accounting, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Abstract

The aim of this study is to investigate the relationship between corporate governance mechanisms and re-testing of Agency theory in Iran as an example of developing countries. The Current Research Has Been of Qualitative Research Kind and is done by Using of Base Data Theory Approach and Purposeful Sampling of Expert and clear Sighted People in The Accounting Background. The data Foundation With Interviewing Method by Sketch Leading and Inform of Mid structuring. The Statistic Analysis of Research Data Show That of Among Theory data of Agency flee risking, Supervision and Reward in Corporate Governance of Iran Contain Verification Dimension. Reward Packs and Board of Directors Independence Arent Effective Tools for Lord Managers in Iran. So Diplomacy Makers Should Change Their Focus from Mechanisms of Internal Management Role, Proper Reward and also Board of Directors Independent. So Addition, it was Specified that Financial, Supervisory, Motivational Approaches Aren't Effective for Alleviation of Agency Difficulties in Corporate Governance System of Iran.

Keywords: Agency Theory, Corporate Governanc, Risk Aversion, Supervision, Reward.

